

معرفت امام عصر  
عجل الله تعالى فرجه

دکتر سید محمد کدبني هاشمی

بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹  
معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه / سید محمد بنی هاشمی.  
[ویراست ۲]. تهران: نیک معارف، ۱۳۸۴.  
ص. ۴۳۲

ISBN: 964 - 5567 - 78 - 5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
عنوان روی جلد: معرفت امام عصر علیه السلام.  
کتابنامه ص ۴۲۹ - ۴۳۱؛ همچنین بصورت زیر نویس.  
۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۲. مهدویت، انتظار.  
۳. امامت، احادیث. الف. عنوان.  
م ۹ ب / ۴ / ۲۲۴ BP ۴۶۲ / ۲۹۷  
کتابخانه ملی ایران  
۱۷۷۶۳ - ۸۳ م



تلفن ۰۱۰۶۶۹۵۰۰۱۰ (خط ۴)

نام کتاب ..... معرفت امام عصر علیه السلام  
نویسنده ..... سید محمد بنی هاشمی  
ناشر ..... نیک معارف  
نوبت چاپ ..... هشتم / ۱۴۰۲  
تیراژ ..... ۵۰۰ نسخه  
حروفچینی و صفحه آرایی ..... شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶  
چاپ ..... سورنا

شابک ۵-۷۸-۵۵۶۷-۹۶۴ - ISBN 964 - 5567 - 78 - 5

تهران، خیابان کارگر جنوبی، خ روانمهر، کوچه دولتشاهی، شماره ۴، زنگ اول

تلفن ۰۱۰۶۶۹۵۰۰۲۶ - فاکس: ۰۲۶۴۸۰۰۲۶

السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ.

سلام بر تو

ای راه خداوند که هر کس به آن نرود، تباہ می شود.

عبارتی از اذن دخول سرداب مکه

بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۲



این اثر را به نیابت از

پدر و مادر عزیزم

به ساحت مقدس علمدار کربلا و قم نمیرسبی ماشم

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

تقدیم می نمایم.

مؤلف



## فهرست مطالب

۱۹	.....	مقدمهٔ چاپ سوم
۲۳	.....	مقدمهٔ چاپ دوم
۲۵	.....	مقدمهٔ چاپ اول

### بخش اول: ارزش و چگونگی بندگی خداوند

۲۷	.....	فصل ۱: عبادت با معرفت؛ هدف از خلقت بندگان
۲۷	.....	معنای صحیح هدفداری خداوند
۲۷	.....	هدف فاعل و هدف فعل
۲۸	.....	غایت یا علت غایی فعل
۲۹	.....	داعی زائد بر ذات یا عین ذات
۳۰	.....	حکیمانه بودن افعال خداوند
۳۱	.....	هدف خالق یا هدف مخلوق
۳۱	.....	بندگی اختیاری در پیشگاه الهی
۳۲	.....	ارادهٔ تکوینی و تشریحی خداوند
۳۴	.....	ابتلا و امتحان انسانها
۳۵	.....	اختلاف در خلقت؛ زمینه‌ای برای امتحان
۳۷	.....	مانع نشدن خداوند از انجام گناه
۳۸	.....	پایه و اساس بندگی خداوند

۳۹	عبادت بر پایه معرفت
۳۹	اختیاری نبودن تحقق معرفت
۴۰	نقش انسان در قبول یارده معرفت
۴۱	واجب ترین معرفت برای انسان
۴۲	معرفت خداوند؛ روح عبادت
۴۳	رابطه عمل و معرفت
۴۴	معیار افضلیت انسان
۴۵	هدف از خلقت انسان
۴۷	<b>فصل ۲: اقسام بندگان در عبادت خداوند</b>
۴۷	<b>معرفت و ایمان</b>
۴۸	پخش شدن ایمان بر اعضا
۴۸	معرفت قلبی
۴۹	تفاوت اسلام و ایمان
۵۱	اسلام شرط ایمان
۵۱	تعریف جامعی از ایمان
۵۲	<b>اسلام ظاهری و واقعی</b>
۵۲	اظهار اسلام به زبان
۵۳	حقیقت اسلام
۵۵	<b>حقیقت کفر</b>
۵۷	تفاوت کفر با فسق
۵۹	شک در معرفت
۵۹	شک اختیاری و غیر اختیاری
۶۰	شک مرتبه ای از انکار
۶۲	<b>مستضعف نه مؤمن است و نه کافر</b>
۶۳	تعریف مستضعف
۶۴	عاقبت مستضعفان
۶۶	روشن نشدن سرانجام مستضعفان قبل از قیامت



## بخش دوم: معرفت امام؛ تنها راه بندگی خدا

۷۱	فصل ۱: جایگاه رفیع امامان <small>علیهم السلام</small> و معرفت ایشان
۷۱	نقش پیامبران در ارائه طریق بندگی
۷۳	شأن سفارت و معبریت از جانب خداوند
۷۴	معرفی راهنمایان الهی به وسیله خداوند
۷۶	معرفت خداوند به خودش و رسول به رسالت
۷۷	برگزیده بودن پیشوایان الهی
۷۸	مرتبه اخلاص در بندگی خدا
۸۰	عبادت خدا از طریق تسلیم به برگزیدگان الهی
۸۰	لزوم معرفت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>
۸۱	استکبار شیطان از سجده بر آدم <small>علیه السلام</small>
۸۳	ایمان قلبی نداشتن شیطان به خداوند
۸۵	مقام خلیفه اللهی برای حجتهای خداوند
۸۵	عصمت خلیفه خدا
۸۷	موضوعیت و طریقت داشتن شناخت خلفای الهی
۸۸	شک نسبت به مقام خلیفه خدا
۹۰	برگزیده‌های برگزیدگان خدا
۹۱	برتری چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small> بر انبیای الهی
۹۲	برتری چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small> بر فرشتگان الهی
۹۵	سرّ افضلیت چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small>
۹۶	برتری چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small> بر همه خلائق
۹۷	قابل درک نبودن مقامات چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small>
۹۹	معرفت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ؛ اساس هر منزلت الهی
۱۰۱	«وجه الله» بودن امام <small>علیه السلام</small>
۱۰۴	«عین الله»، «لسان الله» و «ید الله»
۱۰۵	«باب الله» بودن ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۰۶	معنای «بنا عبد الله» و «بنا عرف الله»
۱۰۷	قطره‌ای از دریای معرفت امام <small>علیه السلام</small>
۱۱۰	ولایت ائمه <small>علیهم السلام</small> بر مؤمنان

- ۱۱۲ ..... تفویض امر به ائمه علیهم السلام
- ۱۱۶ ..... معرفی حضرت صادق علیه السلام از امام علیه السلام
- فصل ۲: ارتباط ایمان با معرفت امام علیه السلام ..... ۱۱۹
- وظیفه معرفت امام علیه السلام ..... ۱۱۹
- پنج وظیفه امت در قبال امام علیه السلام ..... ۱۲۰
- معرفی اهل بیت علیهم السلام در زیارت جامعه کبیره ..... ۱۲۲
- کمالات خدادادی ائمه علیهم السلام ..... ۱۲۲
- عملکرد ائمه علیهم السلام در انجام مسؤولیت های الهی ..... ۱۲۴
- ائمه علیهم السلام؛ میزان حق و رضای خداوند ..... ۱۲۵
- نفی تفویض باطل ..... ۱۲۸
- منزلت اهل بیت علیهم السلام در همه عوالم هستی ..... ۱۲۹
- گوشه ای از برکات وجودی اهل بیت علیهم السلام برای ما ..... ۱۲۹
- رضای امام علیه السلام؛ شرط لازم آمرزش گناهان ..... ۱۳۱
- امام علیه السلام راعی و سرپرست امت ..... ۱۳۲
- رفع اشکال از تشبیه امام علیه السلام به چوپان ..... ۱۳۷
- معرفت امام علیه السلام؛ سرچشمه همه خیرات ..... ۱۳۸
- عقلی بودن لزوم تبعیت از امام علیه السلام ..... ۱۳۸
- باب خدا بودن ائمه علیهم السلام ..... ۱۳۹
- نیاز انسان به امام علیه السلام در اصول و فروع دین ..... ۱۴۲
- امام علیه السلام؛ پدر دلسوز و مادر مهربان ..... ۱۴۳
- دو نوع هدایت امام علیه السلام ..... ۱۴۵
- امام شناسی؛ تنها پایه خدانشناسی ..... ۱۴۶
- تعریف خدانشناسی صحیح ..... ۱۴۶
- معنای دقیق «هدایت» و «ضلالت» در قرآن ..... ۱۴۹
- شرک منکر ولایت ..... ۱۵۰
- مراتب انکار امامت ..... ۱۵۲
- منکر امام علیه السلام مسلمان کافر است ..... ۱۵۴
- ولایت؛ شرط ضروری توحید ..... ۱۵۶
- معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان خودشان ..... ۱۵۷

۱۵۹	فصل ۳: نقش تولی و تبری در دینداری
۱۵۹	حقیقت ایمان: حبّ و بغض به خاطر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۵۹	روح عبادت: کوچکی در برابر خداوند
۱۶۲	اعمال ولایت الهی در حقّ بنده مؤمن
۱۶۳	حبّ و بغض برای خداوند؛ معیار درجه ایمان
۱۶۵	دوستی با دوست خدا و دشمنی با دشمن او
۱۶۵	اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ؛ محبوب بالذات خداوند
۱۶۸	مودّت فی القربی؛ روح بندگی خداوند
۱۷۰	عبادت بودن تبری از دشمنان خدا
۱۷۱	۱- طریقیّت تبری برای تحقّق دینداری
۱۷۳	بدعت گذاشتن عمدی خلفا در دین
۱۷۴	پیروی از پیشوایان ضلالت
۱۷۶	ائمه کفر، ریشه هر شرّ
۱۷۸	تقصیر ائمه کفر در مورد همه جنایات
۱۷۹	۲- تولی و تبری؛ شرط قبولی و ردّ اعمال
۱۸۲	اهمّیت قالب و ظاهر عبادت
۱۸۳	ایمان و عمل صالح؛ دو شرط لازم برای سعادت
۱۸۵	دلالت ولیّ خدا در همه اعمال
۱۸۶	مأجور نبودن مستضعفان نیکوکار
۱۸۹	ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و سیله امتحان خلاق در دنیا و قبل از آن
۱۹۰	معرفت امام <small>علیه السلام</small> ؛ ابتدا و انتهای هر عبادتی
۱۹۱	وجوب ولایت در هر حال
۱۹۲	معرفت و انکار امام <small>علیه السلام</small> ؛ معیار ایمان و کفر
۱۹۳	مستضعف یا ضالّ
۱۹۴	منکر امام <small>علیه السلام</small> هم کافر است و هم مشرک
۱۹۵	بت بودن ائمه کفر برای پیروانشان
۱۹۶	معنای عبادت در برابر مخلوق
۱۹۷	شرک ناآگاهانه منکران ولایت
۱۹۸	آثار و لوازم «ولایت» و «برائت»

- ۱۹۹ ..... اهْمِيَّتِ صَلَوَاتِ بِرِ اهل بيت علیهم السلام
- ۱۹۹ ..... لعن خداوند بر دشمنانش
- ۲۰۰ ..... لعن بر دشمنان اهل بيت علیهم السلام
- ۲۰۴ ..... یاری اهل بيت علیهم السلام از طریق لعن بر دشمنان ایشان
- ۲۰۵ ..... رضا و سخط اهل بيت علیهم السلام؛ معیار حقّ و باطل
- ۲۰۶ ..... معنای رضا و سخط الهی
- ۲۰۸ ..... خلقت تکوینی و تشریحی بر اساس محبّت اهل بيت علیهم السلام
- ۲۱۰ ..... درجات بهشت و جهنّم بر مبنای حبّ و بغض نسبت به اهل بيت علیهم السلام
- ۲۱۳ ..... فصل ۴: سعادت اهل ایمان به سبب ولایت
- ۲۱۳ ..... معرفت اهل بيت علیهم السلام؛ معیار ارزش شخصیت انسان
- ۲۱۴ ..... دینداری یعنی تسلیم نسبت به ولایت ائمه علیهم السلام
- ۲۱۴ ..... مقایسه سیئه دیندار با حسنه بیدین
- ۲۱۶ ..... تفکیک شخصیت افراد از اعمال آنها
- ۲۱۸ ..... نجات اهل ایمان به برکت ولایت ائمه علیهم السلام
- ۲۱۸ ..... تاریکی گناهان
- ۲۱۹ ..... پاک اهل بهشت
- ۲۲۱ ..... پاک شدن با آتش جهنّم
- ۲۲۳ ..... پاک اهل گناهان با تحمّل شدايد محشر
- ۲۲۵ ..... پاک شدن در دنیا به وسیله بلايا
- ۲۲۷ ..... تطهیر از گناهان با سختی جان دادن
- ۲۲۹ ..... انواع جان دادن مؤمن و کافر
- ۲۳۰ ..... پاک شدن در عالم برزخ (قبر)
- ۲۳۱ ..... دو نمونه از عذابهای برزخی
- ۲۳۳ ..... نگرانی ائمه علیهم السلام از برزخ شیعیان
- ۲۳۴ ..... شفاعت اهل بيت علیهم السلام در برزخ
- ۲۳۹ ..... فشار قبر مؤمنان
- ۲۴۱ ..... عذاب آتش در برزخ
- ۲۴۵ ..... وضعیت انسانها در عالم برزخ
- ۲۴۶ ..... انواع تطهیر و اقسام شفاعت

۲۴۹	.....	مرحله قطعی نجات مؤمنان
۲۵۲	.....	ایمان در وقت مرگ
۲۵۲	.....	ایمان مستقرّ و مستودع
۲۵۵	.....	توفیق الهی در کسب ایمان مستقرّ
۲۵۶	.....	نشانه ایمان مستقرّ و مستودع
۲۵۸	.....	سلب ایمان در یک روز
۲۵۸	.....	بهشتی بودن همه مؤمنان در دنیا
۲۵۹	.....	دعا برای حفظ دین تا هنگام مرگ
۲۶۳	.....	<b>فصل ۵: رابطه ایمان و عمل</b>
۲۶۳	.....	صیانت از ایمان به وسیله ورع
۲۶۷	.....	اثر نارضایتی مادر در هنگام مرگ
۲۶۸	.....	تأثیر ورع در تعمیق ایمان
۲۶۹	.....	راه عاقبت به خیری
۲۷۰	.....	تأکید شدید ائمه <small>علیهم السلام</small> بر رعایت ورع
۲۷۱	.....	پیام امام باقر <small>علیه السلام</small> به دوستانش
۲۷۳	.....	<b>رابطه ولایت و محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> با طاعت و معصیت</b>
۲۷۴	.....	تلازم ایمان با عمل
۲۷۶	.....	منبع خیرات بودن ولایت ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۷۷	.....	مغرور نشوید!
۲۷۸	.....	بازدارندگی محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از گناه
۲۸۰	.....	حالات مختلف دوستدار اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۸۲	.....	تأثیر متقابل محبت ائمه <small>علیهم السلام</small> و طاعات در یکدیگر
۲۸۲	.....	بغض اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در اثر اصرار بر گناه
۲۸۴	.....	آثار مرگ با محبت یا بغض اهل بیت <small>علیهم السلام</small>

### بخش سوم: معرفت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت

۲۸۹	.....	<b>فصل ۱: عصاره دین، معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small></b>
۲۸۹	.....	معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small> در فرجه؛ شرط لازم دینداری

۲۹۱	موضوعیت داشتن معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۹۲	هدف از خلقت: معرفت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۹۳	حکمت جناب لقمان
۲۹۵	فصل ۲: دینداری در زمان غیبت
۲۹۵	غضب الهی در غیبت امام <small>علیه السلام</small>
۲۹۶	سنت قطعی الهی در سلب نعمتها
۲۹۸	امتحان سخت دینداری در زمان غیبت
۲۹۹	مردن یاد امام <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۳۰۰	بیدین شدن ناخودآگاه
۳۰۱	گریه امام صادق <small>علیه السلام</small> به خاطر گرفتاریهای مؤمنان در زمان غیبت
۳۰۲	حفظ دین در زمان غیبت
۳۰۳	دقت در غذای روح
۳۰۵	دینداری غریبانه
۳۰۷	فصل ۳: معرفت امام تنها راه حفظ دین در زمان غیبت
۳۰۷	درخواست معرفت از خداوند در زمان غیبت
۳۰۸	نقش دعادر کسب معرفت
۳۱۰	اهمیت دعای مأثور
۳۱۱	نگرانی از بیدینی در زمان غیبت
۳۱۳	محتوای دعاها در زمان غیبت
۳۱۴	فضیلت پایداری بر ولایت امام <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۳۱۵	برادران پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در زمان غیبت
۳۱۶	کمی مؤمنان حقیقی در زمان غیبت
۳۱۷	کسب ثواب یاری امام <small>علیه السلام</small> در زمان ظهور با معرفت ایشان

### بخش چهارم: آثار و لوازم معرفت امام عصر علیه السلام

۳۲۳	فصل ۱: صحت معرفت
۳۲۴	ملاک صحت معرفت
۳۲۵	علم صحیح فقط نزد اهل بیت <small>علیهم السلام</small> است

۳۲۷	..... استقامت در پرتو علم صحیح
۳۲۸	..... بشارت خداوند به خردمندان
۳۳۱	..... فصل ۲: تسلیم به امر الهی در مورد امام <small>علیه السلام</small>
۳۳۱	..... شرط تسلیم در معرفت
۳۳۳	..... شرک و کفر؛ نتیجه عدم تسلیم
۳۳۴	..... راه تحقق تسلیم نسبت به ائمه <small>علیهم السلام</small>
۳۳۶	..... تسلیم نسبت به احادیث در زمان غیبت
۳۳۷	..... صعوبت تحمّل احادیث ائمه <small>علیهم السلام</small>
۳۳۸	..... انکار حدیث به سبب عدم تحمّل آن
۳۴۰	..... فرض تعارض مدلول حدیث با حکم عقل
۳۴۱	..... اقسام تعارض عقل و نقل
۳۴۳	..... وظیفه انسان نسبت به آیات و احادیث متشابه
۳۴۴	..... هفتاد معنا برای احادیث اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴۶	..... روش فقیهانه در استفاده از احادیث
۳۴۸	..... لزوم عنایت ائمه <small>علیهم السلام</small> برای تحمّل احادیث
۳۵۰	..... ناسازگاری استعجال با تسلیم
۳۵۲	..... سازگاری تسلیم با دعا برای تعجیل فرج
۳۵۳	..... محبوبیت دعای نزد خداوند
۳۵۴	..... تأثیر دعا در تغییر قضا و قدر
۳۵۴	..... عدم منافات دعا با خشنودی از قضای الهی
۳۵۶	..... تأثیر دعا برای تعجیل فرج در جلوگیری از افتادن زمان ظهور
۳۵۹	..... فصل ۳: محبت نسبت به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۵۹	..... محبت؛ نشانه ایمان کامل
۳۶۰	..... جلب محبت از طریق تسلیم
۳۶۱	..... گریه برای امام <small>علیه السلام</small> در اثر شدت محبت
۳۶۴	..... دوستی با دوستان امام <small>علیه السلام</small> و دشمنی با دشمنان ایشان
۳۶۶	..... اهمیت ادای حقوق برادران ایمانی
۳۶۸	..... رفع گرفتاری از دوستان امام <small>علیه السلام</small>

۳۷۱	فصل ۴: یاد کردن پیوسته از امام <small>علیه السلام</small>
۳۷۲	مراتب ذکر امام <small>علیه السلام</small>
۳۷۴	شرکت در مجالس ذکر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۷۹	فصل ۵: یاد گرفتن و یاد دادن علوم ائمه <small>علیهم السلام</small>
۳۸۳	فصل ۶: انتظار فرج امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۸۵	نزدیک شمردن ظهور
۳۸۷	عدم وابستگی تشخیص ظهور به علائم آن
۳۹۰	نیّت منتظر بر یاری کردن امام <small>علیه السلام</small>
۳۹۴	اظهار قصد یاری با تجدید بیعت
۳۹۵	عاقبت یک عمر انتظار
۴۰۱	فصل ۷: دعا برای تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۰۱	دعای ائمه <small>علیهم السلام</small> بر تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۰۴	دعا بر تعجیل فرج وسیله نجات از هلاکت
۴۰۵	ارتداد از امامت در زمان غیبت
۴۰۷	فصل ۸: نصرت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۰۷	یاری کردن خداوند
۴۰۸	یاری کردن امام غایب
۴۰۹	یاری کردن امام <small>علیه السلام</small> با زبان
۴۱۳	فصل ۹: احساس حضور امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۱۳	توجه امام عصر <small>علیه السلام</small> به مؤمنان
۴۱۵	احساس حضور امام <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۴۱۹	فصل ۱۰: ورع دوستان امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۱۹	رعایت سنن ائمه <small>علیهم السلام</small> در زمان غیبت
۴۲۱	نقش ورع در دینداری
۴۲۳	کمک به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از طریق ورع
۴۲۶	خلاصه مهمترین وظایف شیعیان در زمان غیبت
۴۲۷	دعای پایان



امیر المؤمنین علیہ السلام:

إِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ أَمْرٍ بِوَقْدَرِهِ مَعْرِفَتُهُ.

ارزش و منزلت هر کس (به اندازه) معرفت اوست.

(بحار الانوار ج ۲ ص ۱۸۴)



امام باقر علیہ السلام:

فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ. وَبِالدَّرَايَاتِ

لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ.

همانا معرفت عبارت است از فهم روایت. و از طریق فهم

روایات، فرد با ایمان تا بلندترین پله های ایمان بالامی رود.

(بحار الانوار ج ۲ ص ۱۸۴)



## مقدمه چاپ سوم



«معرفت امام عصر علیه السلام» نام کتابی است که موضوع اصلی آن نه خود امام عصر علیه السلام بلکه معرفت ایشان است. هر چند به تناسب بحث، روزه‌هایی به سوی شناخت بعضی از صفات و کمالات آن امام عزیز گشوده شده، اما مقصود اصلی شناخت جایگاه منحصر به فرد «معرفت امام زمان علیه السلام» در دین و بیان آثار و لوازم عملی این معرفت می‌باشد. پس خواننده کتاب نباید انتظار داشته باشد که با مطالعه آن، معرفتی شایسته و درخور امام زمان علیه السلام پیدا کند. این موضوع کتابی مستقل با چند برابر حجم این کتاب می‌طلبد که باید بیش از پیش مورد عنایت و توجه خبرگان قرار گیرد.

در اینجا به خوانندگان محترم کتاب توصیه می‌کنیم که برای استفاده بردن بهتر و کاملتر از آن، فصل اول و دوم از بخش دوم کتاب «آفتاب در غربت» را حتماً مطالعه فرمایند. نکاتی که در آنجا تبیین شده برای روشن‌تر شدن مقصود اصلی «معرفت امام عصر علیه السلام» ضروری است؛ اما به خاطر پرهیز از تکرار، در این کتاب از نقل آنها خودداری شده است.

پس از گذشت هشت سال از عمر «معرفت امام عصر علیه السلام» اکنون چاپ سوم آن با این امتیازات به دوستان آن امام همام عرضه می‌گردد:

۱. عبارات و مطالب کتاب به طور کامل ویرایش شده و اصلاحات لازم در هر

قسمت اعمال گردیده است.

۲. اضافاتی در همه بخشهای کتاب - به ویژه بخش دوم - صورت گرفته که ضروری

به نظر می‌رسید.

۳. آنچه در چاپ دوم (۱۳۷۹) تحت عنوان «پیوست بخش اول» آمده بود، در جای مناسب خود، در بخش دوم گنجانده شده است.

۴. بخشها و فصول کتاب با ترتیب کاملتری - در چهار بخش و مجموعاً بیست فصل - ساماندهی شده اند که در آنها همه مطالب با عناوین جزئی مشخص شده اند.

\* \* \*

در بخش نخست سعی شده تا با ارائه معنایی روشن از «معرفت امام عصر علیه السلام» جایگاه آن در کل نظام بندگی خداوند - که هدف از آفرینش انسان است - به خوبی تبیین شود تا محوریت معرفت امام علیه السلام در ارائه معانی دقیق اسلام، ایمان، کفر، شرک و ... کاملاً روشن گردد.

در بخش دوم به تعمیق معنای معرفت امام علیه السلام و بیان ارزش منحصر به فرد آن در مجموعه تعالیم دینی پرداخته ایم که در آن بخشی از کمالات ویژه اهل بیت عصمت علیهم السلام به تصویر کشیده شده است. آنگاه نقش تولی و تبری را در دینداری بیان کرده ایم و سپس به توضیح رابطه معرفت امام علیه السلام با طاعت و معصیت خداوند پرداخته ایم.

بخش سوم به بیان ارزش و اهمیت معرفت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت اختصاص دارد.

و در بخش پایانی، آثار و لوازم این معرفت در ده فصل مورد بحث قرار گرفته است.

امید است این تلاش ناقابل با امضای تأیید حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام مورد قبول آستان مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه قرار گیرد و مایه قوت قلب و مورد استفاده دوستان ایشان گردد.

سید محمد بنی هاشمی

اردیبهشت ۱۳۸۳ - ربیع الاول ۱۴۲۵

## مقدمه چاپ دوم



خدا را بی‌اندازه سپاسگزارم که به این حقیر بی‌مقدار توفیق جمع‌آوری احادیثی در موضوع «معرفت امام عصر (علیه السلام)» عطا فرمود و در این چهار سالی که از عمر آن گذشته، مورد استفاده بسیاری از دوستان آن حضرت قرار گرفته است که همگی شایستگی اعتقاد و عمل به این احادیث را داشته‌اند. از همه این عزیزان تقاضا می‌کنم که برای نویسنده هم از خدای بزرگ، توفیق عمل به محتوای کتاب را طلب کرده و او را از دعا‌های خیر خود محروم نکنند.

یکی از اساسی‌ترین پایه‌های بحث «معرفت امام عصر (علیه السلام)» موضوع «معرفت» به‌طور کلی و احکام و ویژگی‌های آن می‌باشد که شاید مهمترین آنها «صُنْعِ خدای» بودن آن است. این بحث با اینکه برای فهم مطالب کتاب ضروری و لازم به شمار می‌آید، اما چون توضیح کافی درباره آن داده نشده بود، باعث پدید آمدن برخی سؤاها و ابهامات در ابتدای کتاب گردید و همین امر نویسنده را بر آن داشت که درباره معرفت و احکام آن به اندازه توان ناچیز خود، مطالبی را تهیه و تنظیم کند.

ابتدا قرار بود که این مطالب، به عنوان مقدمه چاپ دوم کتاب منتشر شود ولی در عمل به جهت طولانی شدن بحث و استقلال آن نسبت به موضوع معرفت امام (علیه السلام) ترجیح داده شد که به صورت کتابی جداگانه به نام **گوهر قدسی معرفت** در اختیار علاقمندان قرار بگیرد و این کار در اوایل سال ۱۳۷۸ انجام پذیرفت. با این ترتیب «گوهر قدسی معرفت» در حقیقت مکمل «معرفت امام عصر (علیه السلام)» و از پایه‌های اساسی و مهم آن است و بدون مطالعه آن، حق مطلب در بحث معرفت امام زمان (علیه السلام) ادا نمی‌گردد. لذا از خوانندگان محترم این کتاب تقاضا می‌شود که از مطالعه دقیق «گوهر قدسی معرفت» غفلت نکنند. اکنون که به فضل پروردگار چاپ دوم کتاب «معرفت امام عصر (علیه السلام)» در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد، یکی دیگر از نواقص آن با ضمیمه شدن پیوستی به انتهای کتاب، برطرف شده است. این ضمیمه تحت عنوان «برائت از ائمه کفر هم‌دوش با ولایت ائمه هدی (علیهم السلام)» درباره موضوع بسیار مهم «تبری از دشمنان ائمه (علیهم السلام)» تنظیم شده است. هرچند در اصل کتاب به مناسبت بحث درباره معرفت و ولایت امام (علیه السلام) از موضوع «برائت» هم مکرر سخن به میان آمده است، ولی جای این بحث به

صورت مستقل از ابتدا در طرح کلی مباحث کتاب خالی بود و اکنون این نقیصه با لطف و عنایت امام زمان علیه السلام رفع شده است. امید است کاستی‌های دیگر کتاب هم با تذکرات و ارشادات سودمند خوانندگان عزیز در آینده به تدریج برطرف گردد.

اللهم عجل فرج مولانا صاحب الزمان بحقه و بحق آبائه الطاهرين  
سید محمد بنی‌هاشمی - شهریور ۱۳۷۹

## مقدمه چاپ اول



همه ما حدیث معروف «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۱</sup> را که شیعه و سنی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند کمابیش شنیده‌ایم و هر یک با توجه به تلقی خود از شناخت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام از آن معنایی می‌فهمیم.

همه ما می‌دانیم که این شناخت به صرف دانستن نام و نسب ایشان تحقق پیدا نمی‌کند. چرا که منکرین آن حضرت و غیر مسلمانان هم چنین اطلاعی از ایشان می‌توانند داشته باشند. پس تعبیر «معرفت» در این حدیث شریف معنایی بالاتر از این حد را می‌رساند و هر کس متناسب با فهم و معرفت خود، این معنای بالاتر را ممکن است توضیح بدهد. تا اینجا هنوز اهمیت مسأله به قدر کافی برای ما روشن نیست. این اهمیت وقتی کاملاً روشن می‌گردد که به احادیثی برخورد کنیم که در آنها هم نتیجه‌نشناختن امام بیان شده و هم اثر شناختن ایشان؛ مانند این حدیث شریف از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام:

مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ، فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ. وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ، لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ. وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ، كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَام فِي فُسْطَاطِهِ.<sup>۲</sup>

کسی که بدون (معرفت) امام بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته. و کسی که با معرفت امامش بمیرد، درک نکردن زمان ظهور به او ضرری نمی‌زند. و کسی که با معرفت امامش بمیرد، مانند کسی است که همراه حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام در خیمه ایشان بوده باشد.

اینجا مسأله عمق زیادی پیدا می‌کند و سؤال مهمی برای انسان رخ می‌نماید که: چطور معرفت امام عَلَيْهِ السَّلَام این قدر اهمیت پیدا می‌کند؟ مگر شناخت امام عَلَيْهِ السَّلَام چیست که این همه آثار و برکات دارد؟

۱- مدارک حدیث در متن کتاب آمده است.

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۳۷۱، کتاب الحجّه، باب آنچه من عرف امامه ...، ح ۵.

درکِ زمانِ ظهورِ حضرت مهدی علیه السلام و در خیمهٔ ایشان بودنِ سعادت بسیار بزرگی است که بالاترین آرزوی دوستدارانِ ایشان می‌باشد. معرفتِ امام چیست که اثرش چنین فضیلتی است و چگونه به دست می‌آید؟

در این کتاب سعی شده تا پاسخ روشن و ساده‌ای به این پرسشها داده شود به طوری که خواننده با مطالعهٔ آن بتواند حتی المقدور ابعاد مختلف مطلب را بشناسد و وظیفهٔ خود را در مورد آن بفهمد. روشی که برای توضیح مطالب به کار گرفته شده، صرفاً مراجعه به احادیث اهل بیت علیهم السلام است و از بیانِ هر گونه استحسنانِ عقلی پرهیز شده است. به همین جهت در سراسر کتاب، احادیث زیادی مورد استشهاد قرار گرفته است؛ تا آنجا که گاهی توضیح یک حدیث به وسیلهٔ یک یا چند حدیث دیگر صورت پذیرفته است.

بنابراین، کتاب حاضر در واقع سیری است در احادیث مربوط به «معرفت امام علیه السلام» و در شرح آنها به توضیح مختصری اکتفا شده است. لذا برای اهل فن جای دقت و موشکافی در مطالب کاملاً باز است. در عین حال برای آنکه افراد ناآشنا به زبان عربی، احساس خستگی و سختی در مطالعهٔ کتاب نکنند، تمام احادیث بدون استثنا به طور دقیق و کامل ترجمه شده تا این دسته از خوانندگان محترم بتوانند تنها با مطالعهٔ ترجمه، مطلب را دریابند.

کتاب از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول دربارهٔ «اهمیت معرفت امام عصر علیه السلام» و بخش دوم دربارهٔ «معرفت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت». در بخش اول ابتدا دربارهٔ اهمیت امام شناسی به طور کلی و موضع آن در کل اعتقادات، بحث نسبتاً مفصّلی صورت گرفته که بیشتر جنبهٔ اعتقادی دارد. و سپس همهٔ آن مطالب بر شناختِ حضرت مهدی علیه السلام به عنوان امام این زمان تطبیق شده است.

در بخش دوم کتاب ابتدا مباحثی دربارهٔ ویژگیهای زمان غیبت به اجمال مطرح شده که در آن بخصوص راجع به سختی دینداری در آن زمان مطالبی عنوان گردیده است. سپس در فصل دوم آن، دربارهٔ اینکه معرفتِ امام علیه السلام تنها راه حفظ دین در زمان غیبت می‌باشد، بحث شده. و آنگاه در فصل سوم از این بخش به اینکه معرفتِ امام علیه السلام در زمان غیبت چگونه تحقق می‌یابد و چه ویژگیهایی دارد و چه اثراتی برای اهل معرفت به دنبال خواهد داشت - تحت عنوان «چگونگی معرفت امام عصر علیه السلام» - پرداخته شده است. این فصل نتیجه و عصارهٔ عملی کل کتاب است و راه را برای شیفتگانِ معرفت امام علیه السلام باز می‌کند. امید است مورد استفادهٔ همهٔ دوستدارانِ ایشان قرار گیرد. در پایان نسبت به هر گونه کاستی و اشتباه در استفاده از احادیث و شرح آنها به پیشگاه مقدّس حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه عرض پوزش داشته و از خوانندگان عزیز، چشم‌پوشی و گذشت را طلب می‌کنم.



بخش ۱

ارزش و حکومتی بندگی خداوند



## فصل ۱

# عبادت با معرفت؛ هدف از خلقت بندگان

### معنای صحیح هدفداری خداوند

وقتی از هدفداری در افعال الهی صحبت می‌شود، باید توجه داشت که خداوند همچون انسانها نیست که ابتدا هدف یا اهدافی را در نظر می‌گیرند و سپس کارهای خود را برای رسیدن به آنها انجام می‌دهند. چنین تصویری در مورد ذات مقدس پروردگار روا نیست. چون نمی‌توان گفت که خداوند تحت تأثیر انگیزه‌هایی قصد انجام کاری را می‌کند. این ویژگی از آن مخلوقات است و نسبت دادنش به پروردگار از مصادیق تشبیه باطل می‌باشد.

### هدف فاعل و هدف فعل

برخی تفاوت میان هدفداری در انسان و خداوند را به این دانسته‌اند که: هدف انسان از کارهایش، رفع نقصی از ذات خودش است، در حالی که خداوند هیچ نقصی ندارد، پس هدف داشتن او به معنای رفع نقص از خودش نیست، بلکه کار خدا وقتی هدفدار است که نقصی را از مخلوق خود رفع نماید. انسان اگر آب یا غذا می‌خورد، برای این است که تشنگی یا گرسنگی خود را رفع نماید و به این ترتیب نقصی را از خود برطرف نماید و به کمالی که فاقد است برسد. از این جهت است که می‌گویند: هدف انسان در کارهایش، هدف «فاعل» است. اما این معنا در

مورد افعال خداوند صادق نیست. او کاری را برای رفع نیازی از خود و رسیدن به کمال و سعادتِ انجام نمی‌دهد. هدف خداوند رساندن مخلوقات به کمالات شایسته خودشان است. مثلاً خدا انسان را می‌آفریند و سپس او را در مسیری که به کمال برسد، قرار می‌دهد تا از این طریق نقایص او را رفع کند و به کمالات شایسته‌اش برساند. تحقق این کمالات را در انسان، می‌توان هدف خداوند از خلقت او دانست، ولی این کمالات در حقیقت هدف انسان است و هدف خداوند این است که مخلوقش به کمال برسد. به همین جهت گفته می‌شود که هدف در افعال الهی، هدف «فعل» است و مقصود از فعل همان مخلوقات هستند. آیا این بیان مشکل تشبیه خدا به مخلوقات را حل می‌کند؟

### غایت یا علّت غایی فعل

در پاسخ باید گفت که: هدف «فعل» را هم نمی‌توان غایت خداوند در افعالش دانست. «غایت» یا هدف، چیزی است که سببِ فاعلیّتِ فاعل می‌باشد. غایت انسان در آب خوردن رفع عطش می‌باشد که برای او کمال محسوب می‌شود. همین کمال است که سبب آب خوردن او می‌گردد. پس غایت فعل سبب فاعلیّتِ فاعل آن می‌باشد. آنچه فاعل را به فاعلیّت می‌آورد، همان غایت یا علّت غایی است. لذا می‌گویند: «علّت غایی»، «علّت فاعلی» است. در مورد افعال الهی این غایت، همان کمالی است که مخلوق به آن می‌رسد. هدف خداوند از خلق مخلوقات - در فرض مورد بحث - این است که آنها را به کمالات شایسته خود برساند. بنابراین کمال مخلوق - مثلاً رفع عطش از انسان - همان غایتی است که فاعل (خداوند) را به فاعلیّت می‌آورد.

با این ترتیب روشن می‌شود که نسبت دادن غایت به افعال الهی، به معنای هدف فعل نیز جایز نمی‌باشد؛ زیرا لازمه آن این است که بالاخره خداوند تحت تأثیر داعی و انگیزه‌ای افعالش را انجام می‌دهد. اشکال از اینجا ناشی می‌شود که هدف - هر چند هدف فعل - در نهایت به خداوند نسبت داده می‌شود. می‌گویند: هدف خداوند این است که مخلوق خود را به کمال برساند. در صورتی که به محض اینکه هدفداری به خداوند نسبت داده شود، مفهوم غایت - به معنای

چیزی که سببِ فاعلیتِ فاعل است - در ذاتِ مقدّس ربوبی راه پیدا می‌کند. اگر گفته شود که این مفهوم ربطی به ذات الهی ندارد، می‌گوییم: پس اینکه غایت خداوند در فعلش، «هدف فعل» می‌باشد چه مفهومی دارد؟! اما اگر به هر حال می‌خواهیم این هدف را به خداوند نسبت بدهیم - که چاره‌ای هم از آن نداریم - لازم می‌آید که ذات مقدّس پروردگار به معنایی تحت تأثیر دواعی و انگیزه‌ها قرار گیرد.

بنابراین اگر در توجیه هدف از خلقت خداوند، از قول او بگوییم:  
من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم  
باز هم مشکل تشبیه خداوند به مخلوقات حل نمی‌شود؛ زیرا بالاخره چیزی (جود کردن و سود رساندن به مخلوقات) را انگیزه و عامل مؤثر در فاعلیتِ خدای متعال دانسته‌ایم که این خود مصداق ناقص دانستن اوست. هر موجودی که در ذات خود یا در افعالش به نحوی تحت تأثیر غیر باشد، بی‌نیاز مطلق نیست و در نیازمندی با مخلوقات شباهت دارد.

### داعی زائد بر ذات یا عین ذات

ممکن است گفته شود که: داعی و انگیزه قائل شدن برای خداوند در افعالش، در صورتی نادرست است که این داعی زائد بر ذات مقدّس او باشد، اما اگر داعی عین ذات باشد، دیگر خداوند تحت تأثیر غیر خود قرار نمی‌گیرد و محتاج دیگری نمی‌شود.

اما این فرض مشکل اساسی‌تری دارد و آن این است که اصولاً مفهوم انگیزه (داعی) اقتضا می‌کند که چیزی غیر ذات سببِ فاعلیتِ فاعل شود. اینکه ذاتِ چیزی علّتِ فاعلیتِ خودش شود، قابل فرض نیست. «غایت» یعنی چیزی که فاعل را به فاعلیت می‌آورد. اگر غایت عین فاعل باشد، لازم می‌آید که خودش، خودش را به فاعلیت آورد که این فرض بی‌معنایی است. زیرا اگر وجود ذات برای فاعلیتِ فاعل کفایت می‌کند، دیگر «داعی» بر فعل لازم نیست و اگر کفایت نمی‌کند، پس اینکه داعی عینِ خود ذات باشد، چگونه قابل فرض است؟ (دقت شود!)

فراموش نکنیم که فاعلِ مورد بحث (ذات مقدّس پروردگار) ذاتی است که هیچ‌گونه کثرت و تعدّد در او قابل فرض نیست، بنابراین نمی‌توان فرض کرد که بعضی جهات در او، انگیزه و داعی برای بعضی جهات دیگر گردد.

بنابراین هرچند تعبیر «داعی عین ذات» را به زبان می‌آوریم، اما باید توجه داشته باشیم که در این صورت هیچ سخن معنا داری نگفته‌ایم. اصولاً مفهوم داعی و انگیزه فعل، قابل حمل و نسبت دادن به ذاتی که هیچ‌گونه تأثیری نمی‌پذیرد نیست. با این‌گونه سخن گفتن، مفهومی را که قابل حمل بر خدای متعال نیست به او نسبت داده‌ایم و این نادرست است. درست مانند اینکه مکان داشتن را به خداوند نسبت دهیم، اما چون لازمه مکان دار بودن، نقص و محدودیت می‌باشد، بگوییم خداوند مکان دارد اما مکانش مادی و جسمانی نیست!!

این فرض در اصل نادرست است. زیرا مکان داشتن عین جسمانی بودن است و مکان غیر جسمانی داشتن، یک فرض تناقض آمیز می‌باشد. هدف و غایت هم - تا آنجا که برای ما معنادار و مفهوم می‌باشد - مفهوماً اقتضای می‌کند که ذات هدفدار و غایت‌مند به نوعی تحت تأثیر غیر خودش واقع شود و به همین دلیل نسبت دادنش به ذات مقدّس پروردگار با تعالی و تقدّس او متناقض است.

### حکیمانه بودن افعال خداوند

البته به این نکته توجه داریم که نفی هدفداری - با توضیحی که گذشت - از افعال الهی، به معنای نسبت دادن کار عبث و لغو به خدای متعال نیست. ما خداوند را مطلقاً حکیم می‌دانیم و نسبت دادن هرگونه لغوی را به ذات مقدّسش عقلاً جایز نمی‌دانیم. اما حکیمانه بودن افعال الهی، لازمه‌اش این نیست که ما بتوانیم درباره هدفداری خداوند تفسیر و تحلیل ارائه دهیم. ما چون خداوند را به مقتضای حکم عقل منزّه از هر نقص و عیبی می‌دانیم، سر بسته می‌پذیریم که از خداوند هیچ کار غیر حکیمانه‌ای سر نمی‌زند، ولی این اعتقاد مجوّز آن نیست که درباره حکمت الهی با تشبیه به مخلوقات سخن بگوییم. البته تفصیل این بحث محتاج دقّت و تحقیق بیشتری است که به محلّ خودش موکول می‌باشد.